

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۶، ۱۰۵-۱۲۸

معرفی و بررسی رساله انسان‌نامه سید محمد نوربخش^۱

نرگس افروز^۲

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دکتر علی‌اصغر حلبی^۳

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

انسان‌نامه اثر سید محمد نوربخش، از صوفیان دوره تیموری است. به گفته خود نویسنده، وی این رساله را به اشارت الهی برای پادشاه نوشته است. از این رساله، بیست نسخه در کتابخانه‌های ایران موجود است. رساله شامل یک مقدمه و دو باب است. نویسنده در مقدمه با استناد به آیات و احادیث، ضمن بیان فضیلت بنی آدم بر سایر موجودات، به لزوم شناخت انسان و انسان کامل اشاره می‌کند و اهمیت پیروی از انبیا و اولیا را متذکر می‌شود و اهم مهمات را شناخت نفس می‌داند، سپس سه راه برای شناخت اولیا معرفی می‌کند. وی در باب اول، به اهمیت علم فراست و کارایی آن در شناخت اولیای الهی، نیز اهمیت آن برای سلاطین به منظور انتخاب اشخاص شایسته برای امر حکومتی تأکید می‌کند و سلطنت صوری و معنوی را برای سلاطین لازم می‌داند؛ در باب دوم به سیرت انسان و احوال و مقامات اولیای الهی و

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۸

۱ تاریخ وصول: ۹۶/۲/۱۲

^۲ afroozalma@yahoo.com

^۳ Ali.Halabi@lauctb.ac.ir

منازل و کیفیت هر مرتبه از مراتب دل می‌پردازد و در نهایت اکمل مردان را مظهر جامع و وارث مصطفی^(ص) می‌داند و چنین مظهري را سيد علي همداني و در سلسله ایشان ذکر می‌کند. نویسنده در این پژوهش، ضمن معرفی نسخه خطی *انسان‌نامه* با موضوع علم «فراست»، ویژگی‌های رسم الخطی، فکری، زبانی و بیانی آن را بررسی و مختصری به زندگی سيد محمد نوربخش اشاره می‌کند.

واژه‌های کلیدی

سيد محمد نوربخش، *انسان‌نامه*، فراست، انسان کامل، نسخه خطی.

۱. مقدمه

از منظر عرفا تمام موجودات جهان هستی جلوه‌گر اسما و صفات ذات باری تعالی هستند. از این بین، انسان بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. به فرمایش قرآن، انسان خلیفه خدا در روی زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و فرشتگان باید در مقابلش سجده کنند: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)؛ اما آیا هر انسانی می‌تواند به چنین مقامی در روی زمین برسد و هر انسانی این لیاقت را دارد که مسجود ملائک شود و یا اینکه رسیدن به چنین مقامی نیازمند رعایت شرایطی است؟

انسان برای رسیدن به چنین مقامی و اینکه آئینه تمام‌نمای اسما و صفات الهی باشد، باید شرایطی داشته باشد و رسیدن به چنین شرایطی در گرو شناخت انسان است. از آنجا که انسان ترکیبی از جسم و روح است، گروهی بر این باورند که از راه شناخت ظاهر می‌توان به باطن انسان پی برد و این موضوع علم فراست یا همان قیافه‌شناسی است.

«فراست در لغت یعنی فهم و ادراک و زیرکی و دانایی و قیافه و آن علمی است که از

صورت پی به سیرت برند» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۵۰۰۵).

«گویند بقراط پدر علم پزشکی در حدود ۴۵۰ سال قبل از میلاد به علم فراست اشاره کرده است. به اعتقاد وی، عوامل خارجی بر خُلق و خوی افراد تأثیر می‌گذارد و این عوامل بر چهره و ظاهر فرد نمایان می‌گردد. جالینوس، حکیم یونانی (قرن دوم میلادی) نیز بخش‌های طولانی و مفصل از کتاب خود را به علم فراست اختصاص داده است. علم فراست قبل از ارسطو (قرن چهارم قبل از میلاد) علم مستقل و شناخته‌شده‌ای نبود. وی شش بخش از کتاب خود را به این علم اختصاص داده و آثار و علائمی در ظاهر افراد را شناسایی کرده است که از روی آن علائم می‌توان به ضعف یا قوت، هوش و یا کم‌هوشی افراد پی برد. وی همچنین از روی چهره، رنگ، شکل مو، اعضای بدن، قد و قامت و آهنگ صدای افراد، شخصیت‌ها را شناسایی کرده است» (عالم‌زاده و معینی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

«افلیمون سیماشناس یونانی سده دوم میلادی، اثر مشهوری در سیماشناسی دارد که شامل ۷۰ فصل است. این کتاب پس از کتاب سیماشناسی مجعولی که به ارسطو منسوب شده است، کهن‌ترین اثر به‌جامانده در این فن به‌شمار می‌رود... به گفته افلیمون، در سیماشناسی با اتکا بر یک نشانه نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد. هر گاه دلالت‌های همه نشانه‌ها مؤید یکدیگر باشند، نتیجه درست به دست خواهد آمد. وی از سیماشناسان می‌خواهد که پیش از بررسی دقیق نشانه‌های متناقض درباره کسی حکم نکنند» (مولوی، ۱۳۶۹، ج ۹: ۶۰۶-۶۰۸). «ابن‌سینا، ابونصر فارابی و فخر رازی از جمله کسانی هستند که رساله‌ای به نام *الفراسه* دارند» (گشتاسب، ۱۳۹۵: ۸۰). «احتمالاً مسلمین این نام را برای قیافه‌شناسی از حدیث *انْقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ* گرفته‌اند. صوفیه هم به مسئله فراست اهمیت بسیار داده‌اند، و بسیاری از کرامات مشایخ صوفیه در واقع حاصل تسلطی است که اینان در کار فراست داشته‌اند و از جمله آنان ابوسعید ابی‌الخیر (وفات ۴۴۰ق) به اشراف بر ضمائر مشهورند و داستان‌های شگفتی از او نقل کرده‌اند» (حلبی، ۱۳۸۶: ۳۷). «ابوالقاسم قشیری، مؤلف رساله

قشیری، در بابی از کتابش به فراست پرداخته است، اما تلقی او از فراست با برداشت دانشمندان و پزشکان آن روزگار از فراست به صورت اصولی متفاوت است. او فراست را معرفتی الهی و مختص اولیاءالله می‌داند که متضمن آگاهی بر امور غیبی و نادیدنی است و در همین زمینه قلم‌فرسایی کرده است» (کریمی، ۱۳۹۶: ۶۵).

«ژانر فراست‌نامه سید محمد نوربخش، همانند اثر قشیری عرفانی است اما با آن متفاوت است. به این معنا که برخلاف قشیری، فقط به مراتب عرفانی نمی‌پردازد و همانند رساله‌های فراست متعارف به سراغ بدن و نشانه‌های بدن می‌رود. تفاوت بارز آن با فراست‌نامه‌های دیگر از قبیل اثر فخر رازی، نگرش عرفانی او به انسان به صورت کلی و فراجنسی است و در صحبت از بدن، گویی به بدنی عاری از جنسیت می‌پردازد و رویکردی صرفاً انسان‌محور دارد. نوربخش به‌رغم تأثیر پذیرفتن از گفتمان پزشکی زمانه خویش، از نشانه‌های بدنی به نتایج اخلاقی می‌رسد؛ درست برخلاف فراست‌نامه‌های متعارف. با این همه گاه از این قاعده عدول کرده و گویی در مقام یک فراست‌نگار متعارف نشسته است و قلم می‌زند» (همان: ۸۶).

۲. بیان مسئله

نسخه‌های خطی آثار ارزشمندی هستند که باید حفظ و نگهداری شوند؛ زیرا این آثار غالباً حاوی تفکرات و اندیشه‌های بکر و اصیلی هستند که پایه‌های فرهنگ کشور ما را شکل می‌دهند. برخی از این آثار بر اثر گذشت زمان دچار آسیب می‌شوند و از بین می‌روند. پس بر عهده صاحبان فن، مخصوصاً دانشجویان رشته‌های ادبیات و رشته‌های وابسته به این آثار است که می‌توانند با تصحیح و بازسازی آن‌ها جلوی از بین رفتن این آثار را بگیرند و همچنان در گنجینه آثار خود نگه دارند.

۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد نسخه خطی *انسان‌نامه* سید محمدنوربخش، معرفی و

بررسی محتوایی نشده است. این موضوع لزوم پرداختن به این اثر را نمایان می‌کند.

۴. پیشینه تحقیق

با توجه به تحقیقات به‌عمل‌آمده مشخص شد که درباره سلسله نوربخشیه و تحولات این سلسله، آرا و افکار سید محمد نوربخش، تأثیر آرای ابن عربی و دیگر عرفای ماقبل روی اندیشه‌های سید محمد نوربخش، زندگی سید محمد نوربخش کتاب و مقاله‌هایی نوشته شده است؛ از جمله می‌توان به کتاب تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخشی اویسی (صدقیانلو، ۱۳۵۱) و به مقاله‌های «تأثیر آراء ابن عربی بر تفکر عرفانی سید محمد نوربخش» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۰)، «خاتم‌الاولیا از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش» (همو، ۱۳۹۳)، «نوربخشیان» (مولوی، ۱۳۷۲) و «کارکردهای اجتماعی طریقت نوربخشیه از آغاز تا عصر صفوی» (حاجیان‌پور و حکیمی‌پور، ۱۳۹۱) از اشاره کرد؛ اما روی نسخه انسان‌نامه تصحیحی انجام نشده است، پس بر آن شدیم که این نسخه را تصحیح و معرفی کنیم.

۵. شرح احوال، فرزندان، شاگردان و آثار سید محمد نوربخش

شیخ محمد بن محمد بن عبدالله نوربخش قهستانی (موسوی خراسانی ۷۹۵-۸۶۹ق) از صوفیان سده هشتم و نهم هجری ایران و پایه‌گذار فرقه نوربخشیه است. «وی در قائن متولد شد و در سن هفت‌سالگی قرآن را حفظ کرد. مولد پدرش محمد بن عبدالله، قُطیف و مولد جدش، لخصاست و به همین دلیل در بعضی غزل‌ها لخصوی تخلص می‌کرد و در بعضی نوربخش» (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۷۵) «وی در جوانی مدتی از محضر میر سید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) و ابن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق) بهره برد. نوربخش به دنبال کسب دانش راهی هرات شد و در آنجا به طریقه کبرویه پیوست. به خانقاه خواجه اسحاق در ختلان نقل مکان کرد و به او دست ارادت داد» (جلالی شیجانی، ۱۳۹۳: ۱۱). «خواجه اسحاق خرقه آخرین سید علی همدانی را به او پوشانید و بر مسند ارشاد نشاند و امور خانقاه و جمیع سالکان را به

او داد» (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۷۵-۳۷۶). «خواجه اسحاق به منظور ترویج مذهب شیعه، سید محمد نوربخش را ترغیب کرد و او را مهدی نام نهاد تا علیه شاهرخ تیموری ظهور کند» (همان: ۳۸۴). «آن دو در جمعه چهاردهم ۸۲۶ به کوه تیری که از قلاع ولایت ختلان است رفتند و خلق را دعوت کردند. بعضی از مفسدان سلطان بایزید خواجه را شهید کردند؛ اما نوربخش را مقید به هرات آوردند و به حصار اختیارالدین فرستادند و از آنجا به شیراز بعد به بهبهان و از آنجا به طرف شوشتر و بصره و از بصره به حله و وی از آنجا به بغداد و زیارت مشاهده متبرکه رفت» (همان: ۳۷۹). «وقتی که میر در کردستان بود، دوباره دستگیر شد و به اردوی شاهرخ در آذربایجان فرستاده شد. شاهرخ دستور داد که میر را در چاه زندانی کنند. دوباره او را به هرات فرستادند. شاهرخ از وی خواست به منبر برود و از کار ارشاد خلق توبه کند (صدقیانلو، ۱۳۵۱: ۳۹-۴۰). «وی اعلان کرد که دعوی خلافت و هرچه بدان مربوط می‌شود، نداشته و ندارد. در نتیجه این اعتراف، اجازه یافت که به تدریس - فقط علوم رسمی - پردازد، به شرط آنکه دانشجوی زیاد نپذیرد و عمامه سیاه بر سر نگذارد. اما بالاخره از وی خواسته شد که قلمرو تیموریان را ترک گوید و به بلاد روم برود، ولی او ترجیح داد در ایران بماند و گیلان را انتخاب کرد. پس از مرگ شاهرخ به سال ۸۵۱ نوربخش به ری رفت و به ترویج طریقه صوفیانه خود مشغول شد و هم در آنجا به سال ۸۶۹ درگذشت» (شیبی، ۱۳۵۹: ۳۱۶). «وی دو پسر به نام‌های سید جعفر و شاه قاسم داشت. شاه قاسم بعد از پدرش، خلیفه او و مرجع سلسله نوربخشیه شد» (مولوی، ۱۳۷۲: ۸۱-۸۲).

«مهم‌ترین خلفای وی شمس‌الدین محمد گیلانی معروف به اسیری، مؤلف مفاتیح الاعجاز در شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری و پسرش شاه قاسم فیض‌بخش است» (نک: حلبی، ۱۳۷۷: ۵۳۴).

برخی آثار وی از این قرار است: اجازه به شاه قاسم، الاعتقادات، اقسام دل، انسان‌نامه، بیان عوالم حس، حیاة العارفین، تلویحات، سلسله الاولیا، سلسله موجودات، صحیفه الاولیا، عوالم

الخمس، فوائد، قدم و حدوث، قیامت انفسی و آفاقی، کشف الحقایق، معاش السالکین، معراجیه، واردات و... (درایتی، ۱۳۹۳، ج ۳۶: ۹۳۳).

انسان‌نامه: این رساله شامل یک مقدمه و دو باب است. مقدمه با عبارت «هذا کتاب انسان‌نامه» شروع شده و دربرگیرنده برگ‌های ۲۴ تا ۳۳ رساله است. مقدمه شامل تحمیدیه، طرح مقام و جایگاه انسان و انسان کامل، نعت پیامبر اکرم^(ص)، طرح مسئله شناخت ارباب ولایت بعد از ختم نبوت، بیان دو جنبه برای انسان یعنی ظاهر و باطن و معرفی سه راه شناخت انسان یعنی کشف و شهود و الهام، علم علویات یا علم نجوم و علم قیافه‌شناسی یا فراست. همچنین در همین مقدمه عنوان می‌شود که نوشتن رساله انسان‌نامه اشارتی از طرف خداوند بوده است.

در باب اول، شکل و شمایل و وضعیت و کیفیت ۲۹ عضو از اعضای بدن در حالت‌های مختلف بررسی شده و از هر کدام به نوعی نتیجه اخلاقی گرفته می‌شود. مثلاً «سر بزرگ دلیل عالی‌همتی ست، سر خرد دلیل بی‌خردی ست، موی درشت دلیل شجاعتست، موی نرم دلیل جبن و ترسندگی ست. اعتدال موی دلیل اعتدال در صفات بسیاری موی بر پیشانی و گردن دلیل شجاعتست...» (۳۳ الف). سید محمدنوربخش جایگاه چشم را از همه اعضا مهم‌تر دانسته و ۳۲ حالت برای آن تعریف کرده است. وی در نوشتن باب اول از باب پنجم ذخیره الملوک سید علی همدانی الهام گرفته است؛ سید علی همدانی در کتابش فقط به کیفیت و شکل ۱۰ عضو از اعضای بدن می‌پردازد و وی به چشم، جایگاه مهم‌تری داده و معتقد است که «اگر شخصی کبودچشم و سرخ‌موی باریک‌زنج باشد و بر سر موی بسیار آرد، همچنان که از مار افعی حذر کنند، از آن شخص همچنان حذر باید کردن» (۴۰ ب). مؤلف در پایان باب اول، قیافه‌شناسی را برای سلاطین واجب و لازم می‌داند و معتقد است مطابق استعداد و قابلیت هر فردی باید به شخص کار بسپارند.

در باب دوم، به‌طور خیلی مختصر به این موضوعات پرداخته می‌شود: جایگاه اولیاءالله،

جایگاه و اهمیت قلب، تقسیم‌بندی قلب انسانی به دو حالت بیمار و سالم و بینا و کور، علائم قلب سالم و بیمار، مراتب قلب همچون بینایی، شنوایی، گویایی و دانایی و طی مراتب قلبی برای رسیدن به مرحله انسان کامل، شرط رسیدن از مقام ایمان به مقام ولایت. نشانه ولی، طفل طریقت و مظهر جامع که بهره‌مند شدن از مراتب قلب است، ذکر نشان ولایت یعنی کرامت، اشاره به ارزش و جایگاه مقام صحو برای اولیای کامل به منظور ارشاد سالکان، معرفی سلسله سید علی همدانی به عنوان قوی‌ترین سلسله اولیا و معرفی سید علی همدانی به عنوان حیل الله و وارث مصطفی (ص).

۶. معرفی نسخه

انسان‌نامه شامل ۲۰ نسخه در کتابخانه‌های مختلف ایران با این مشخصات است: هفت نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت‌های ۴۷۶۴/۲، ۱۱۹۳، ۱۵۶۱۶/۱۳، ۸۹۷۱/۵۲، ۶۶۴۵/۳، ۱۰۳۲۷/۷، ۳۹۳۹/۱؛ یک نسخه کتابخانه مفتاح تهران به شماره ثبت ۹۱۱؛ یک نسخه ملک به شماره ثبت ۴۲۷۳/۵؛ یک نسخه گلپایگانی قم به شماره ثبت ۶۸۳/۲-۴/۱۵۳؛ چهار نسخه دانشگاه تهران به شماره‌های ۱۰۳۸/۲، ۵۸۷۱/۴، ۲۷۱۹/۱، ۷۹۰۲/۹؛ یک نسخه دانشکده الهیات مشهد ۶۹۴/۵۸؛ یک نسخه مرعشی قم ۱۲۰۷۵/۹؛ یک نسخه مدرسه غرب همدان ۱۷۱۸/۳؛ یک نسخه شاهچراخ شیراز ۶۵۹/۱؛ یک نسخه مرکز احیاء قم ۹۶۴/۷ و یک نسخه مسجد اعظم ۳۱۳۸/۳ (درایتی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۳۵-۳۶).

نسخه اس: نسخه شماره ۴۷۶۴/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی با علامت اختصاری «اس»، شامل رساله انسان‌نامه سید محمد نوربخش در ۳۰ برگ یا به عبارتی ۵۹ صفحه است که برگ‌های شماره ۲۴ تا ۵۳ مجموعه اصلی را در بر می‌گیرد. خط نسخه نسخ، جلد تیماج مشکى، ۹ سطری (۱۰×۷/۵) و اندازه آن ۱۷ در ۱۲ سانتی‌متر است. تمام صفحات با رنگ قرمز کادربندی شده و کاتب آن «عبدالقادر کمال» و تاریخ کتابت ۹۹۰ قمری است که در برگ

۵۳ صفحه الف با این عبارت به آن اشاره شده است: «من يد العبد الضعيف المغروق في الظلام عبدالقادر كمال غفرالله و لوالديه و احسن اليهما و اليه سنة تسع و تسعين مائة تم.» در آغاز عنوان کتاب که *انسان‌نامه* است، نیز هر کدام از «باب»ها و برخی کلمات مثل «حمد»، «بیت»، «نظم»، بعضی جاها برخی ویرگول‌ها با شنگرف قرمز مشخص شده است. برخی جمله‌ها، کلمات و حروف با خط نستعلیق یا نسخ در حاشیه، گاهی داخل متن اصلی و روی برخی کلمات متن اصلی درج شده است. در داخل متن برخی کلمه‌ها خط خورده و کلمه دیگری در بالای آن درج شده است. برخی کلمه‌ها به دو صورت نوشته شده است. مثلاً «فتانت/فطانت؛ خباست/خبائت» یعنی یک صورت در سطر اصلی و صورت دیگر در بالای سطر بدون اینکه قبلی خط خورده باشد. در این نسخه برخی جملات نامفهوم دیده می‌شود که به کمک نسخه‌بدل‌ها اصلاح و سعی شد جملات صحیح جایگزین شود. همه برگ‌های سمت راست رکابه‌دار هستند و این مسئله کمک می‌کند تا از افتادگی و یا نیفتادگی برگ‌های نسخه اطمینان داشته باشیم.

نسخه ۱م: نسخه شماره ۱۱۹۳ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با علامت اختصاری «م۱»، شامل ۲۲ برگ یا به عبارتی ۴۴ صفحه است که با خط نستعلیق درشت نوشته شده است. کاتب نسخه مشخص نیست و در قرن دهم کتابت شده است. صفحات مجدول، کاغذ سفید، جلد تیماج قهوه ای و مقوایی زرکوب است. هر برگ ۹ سطر دارد (۹×۶) و اندازه آن ۱۸×۱۲/۵ سانتی‌متر است. این نسخه بسیار تمیز و زیباست، همچون نسخه اساس شامل مقدمه و باب اول است و باب دوم را ندارد. عنوان رساله در آغاز با خط درشت و زرکوب نوشته شده است. برخی عبارات و کلمات مهم، نیز گاهی نقطه‌ها و ویرگول‌ها با شنگرف قرمز مشخص شده است.

نسخه ۲م: نسخه شماره ۳۹۳۹/۹ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با علامت اختصاری «م۲»، قسمت نهم یک مجموعه است که علاوه بر رساله *انسان‌نامه*، رساله‌های

دیگری از سید علی همدانی و سید محمد نوربخش را در بر دارد. این نسخه ۱۷ برگه یا به عبارتی ۳۴ صفحه‌ای، برگ‌های شماره ۱۷۱ تا ۱۳۸ مجموعه را به خود اختصاص داده و ۱۵ سطری است. نسخه در آغاز افتادگی دارد. بی‌کاتب است و بی‌تاریخ. خط نسخ، کاغذ آن هندی نخودی رنگ، جلد تیماج قرمز و اندازه آن ۲۶×۱۵/۵ سانتی‌متر است. صفحات نسخه مجدول شنگرفی است. همچنین اشعار در داخل کادرها درج شده‌اند. عنوان باب‌ها و برخی کلمات با شنگرف قرمز نوشته شده است. در حاشیه توضیحاتی نوشته شده، همچنین در داخل متن برخی کلمات خط خورده و کلمات دیگری نوشته شده است. بخشی از مقدمه افتاده، اما باب اول و باب دوم همچون نسخه اساس کامل است.

۷. ویژگی‌های کتابتی و رسم‌الخطی

- «ج» به جای «چ»: در معرفت صورت و سیرت انسان و خواص ظاهر و باطن ایشان کلمه‌ای جند نوشتن لایق نمود (۲۷الف، س ۳-۴).
- دندان کوچک و کشاده دلیل ضعف نیت است (۳۷الف، س ۲).
- «ب» به جای «پ»: ری بسیار خرد دلیل تأملات و سبک‌ساری ست و جابِلوس ایست (۳۷ب، س ۷).
- «ک» به جای «گ»: «تا باب‌الابواب معرفت اولیا و مرشدان صمدانی به مفتاح مؤانست روحانی و مناسبت جسمانی مفتوح کردد (۲۷الف، س ۴-۶).
- مد الف در بعضی کلمه‌ها افتاده است: «اولی انکه بیان صورت ظاهر شود» (۲۷الف، س ۸).
- اتصال حرف «که» به کلمه قبل از خود: «از اجناس جمیع اشیا خاصه نوع انسانکه به شرف جامعیت صوری و معنوی مشرف فرمود» (۲۴ب، س ۷).

- اتصال حرف اضافه «ب» به کلمات بعد از خود: «کمال معرفت انسان بوحی و الهام ربانی و مکاشفه و مشاهده عیانی میسر شود» (۲۷ب، س ۱-۲).
- «ه» گرد به شیوه رسم الخط عربی: «حضرت نبویه در حدیث فرموده‌اند» (۲۷ب، س ۵-۶)؛ «عداوه در مردم کوتاه بالاست» (۳۰ب، س ۸).
- استفاده از مصوت کوتاه - به جای مصوت بلند «او»: «ری بسیار خرد دلیل تأملات و سبک‌ساری ست و جابلوس ایست» (۳۷ب، س ۷).
- حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» در هنگام اضافه شدن به «ها» نشانه جمع فارسی: «اسب نامهای که جهت سلاطین و امرا نوشته آید».
- اتصال «اند» به کلمه قبل خود: «و ایشان انسانند» (۲۵ب، س ۲).
- بدون «الف» بودن ضمیر اشاره «این» در برخی کلمات: «بنابراین معنی باید که ارباب سلطنت و امارت در معرفت علم قیافت و فراست اهتمام نمایند» (۳۲الف، س ۵).
- استفاده از «ه» غیرملفوظ در برخی کلمات: «کشاده کی دلیل خلق نیکوست» (۳۷ب، س ۸).

۸. ویژگی‌های سبکی انسان‌نامه

«کتاب‌های این دوره [تیموری] گاهی ساده و گاهی متمایل به مصنوع است... بهار می‌نویسد: «سبک نثر در دوره تیموریان (قرن نهم) ... حد متوسط (است) یعنی میانه نثر ساده و نثر فنی» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۹۹) و نیز می‌نویسد: «سبک نثر در این دوره شیوه‌ای است میانه و هرچه پایین می‌آییم کم‌مغزتر و ساده‌تر می‌شود...» (همان‌جا).

«در میان نویسندگان این عهد، بیشتر مترسلان را می‌یابیم که همان شیوه قدیم ترسل را حفظ کرده و انشاء دشوار و مزین را می‌پسندیده‌اند، و گرنه دیگران بیشتر به نثر مرسل توجه داشتند... باید گفت که روش متداول عهد تیموری سبک ساده و روان در نثر است...» (صفا،

۱۳۸۳، ج ۴: ۴۶۴-۴۶۵).

با مطالعه ویژگی‌های زبانی نسخه‌انسان‌نامه که در ادامه بیان می‌شود، درمی‌یابیم که نثر این رساله بیشتر نثر فنی است تا مرسل و ساده و به دلیل داشتن سجع‌های متوالی، به‌ویژه در مقدمه، گلستان سعدی در ذهن تداعی می‌شود. «بعد از سعدی به‌طوری گلستان مورد توجه خاص و عام قرار گرفت که یکی از کتب درسی و عمومی زبان فارسی شد و در قرن هشتم و نهم، خاصه عصر تیموریان، گروهی از خوشنویسان هرات و خراسان وقت خود را به نوشتن گلستان می‌گذرانیدند» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۱۵۵).

۱-۸. ویژگی‌های زبانی

- استفاده از رای تخصیص

حمد و سپاس و ثنای بی‌قیاس حضرت صانع حکیم را (۲۴الف، س ۱)

حضرت مصطفی را صلی الله علیه و سلم (۲۷ب، س ۳)

- استفاده از آیات و احادیث

خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بَيْدَى أَرْبَعِينَ صَبَاحاً (۲۴الف، س ۴)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۲۴الف، س ۹)

- استفاده از ب تأکید

خط وجود آدم بر صفحه‌شهود عالم بنگاشت (۲۴الف، س ۵)

احکم و اقوی پرداخت (۲۴ب، س ۶)

- ساختن صفت تفضیلی به شیوه عربی

احکم و اقوی (۲۴ب، س ۶)

اهم مهمات و اقدم مقدمات (۲۶ب، س ۵)

- فعل فرمود به جای کرد: به شرف جامعیت صوری و معنوی مشرف فرمود (۲۴ب، س ۸)

- مطابقت موصوف و صفت به شیوه عربی

- صلوات زاکیه و تحیات وافیه (۲۵الف، س ۱)
- نمودن به معنی کردن: سعی نمودن واجب و لازم است (۲۵ب، س ۳)
- فعل نمود به معنی بود: رساله در صفت و صورت انسانی جهت پادشاهی به موجب اشارت الهی حاجت نمود (۳۲ب، س ۷)
- سبقت فعل بر فاعل: ورود یافت کلمه‌ای چند (۲۶الف، س ۲-۳)
- چو به جای چون: و چو به ضرورت معلوم است (۲۶الف، س ۹)
- سبقت صفت بر موصوف: کلمه‌ای چند (۲۶الف، س ۳)
- فاصله افتادن بین اجزای فعل مرکب: حذر باید کردن (۴۰ب، س ۶)
- استفاده از ترکیبات عربی: ان شاء الله تعالی (۲۷الف، س ۶)
- استفاده از فعل بردند به جای کردند: دوازده پیغامبر آرزو بردند (۲۷ب، س ۹-۸)
- استفاده از «را» به جای «برای»: کسی را میسر نشود (۲۸ب، س ۴)
- استفاده از فعل وصفی: کیفیت شریعت و ملت آن حضرت باز نموده و دیگر شناختن تلامذه و ملازمان حضرت دانیال بود علیه السلام (۲۹الف، س ۴)
- تکرار (فعل، اسم، حرف)
- موی که پسندیده است، میگون است (۳۱الف، س ۱-۲)
- محبت اولیا مورث درجه ولایت شود و محبت به قدر مراتب معرفت بود هر که شناختن اولیا را بیشتر محبت نماید (۲۵ب، س ۵-۷)
- انبیا و اولیا و علما که اشرف قوم‌اند هر کس که از اهل سعادت که از وادیه ضلالت بر سرچشمه هدایت رسید (۲۶الف، س ۷-۸)
- حذف فعل به قرینه لفظی: بیان صورت ظاهر شود و بعد از آن بیان سیرت باطن (۲۷الف، س ۹-۸)

- استفاده از ضمیر «وی» و «او» به جای «آن» برای غیر ذی روح: چشمی که در گرد حدقه وی طوق باشد (س ۳۵، ب ۶)
- حذف الف در برخی کلمات: دهن فراخ دلیل شجاعت است و دهن تنگ دلیل جبن است (س ۳۶، ب ۹۸)
- دوباره مفعولی کردن فعل مفعولی: عالم را گردیدند (س ۵۱، الف ۹)
- استفاده از «ی» استمراری: اگر ممکن نبود، دعوت انبیا و ارشاد اولیا ضایع بودی (س ۴۲، ب ۳)
- «ن» منفی بین «می» استمرای و فعل اصلی: وسعت افاض نامتناهی حضرت الهی می‌ندارند (س ۴۴، الف ۲)
- فعل «گشت» به جای «شد»: آن زمان با تیمم بود مقر گشت (س ۴۹، الف ۶)
- ساخت به جای کرد: طهارت ساخت (س ۴۹، الف ۶)
- شنودن به جای شنیدن: یا شنودن آواز ذکر از دل / از دل حضرت مصطفی (ع م) شنودند (س ۴۹، ب ۲-۱)
- جمع بستن دوباره برخی کلمات: اصح اقاویل (س ۵۱، ب ۷)
- ۲-۸. ویژگی‌های بلاغی
- تشبیه: به ید قدرت و قلم ارادت خط وجود آدم بر صفحه شهود عالم بنگاشت (س ۲۴، الف ۵)
- مراعات نظیر: فضیلت بنی آدم بر مفارق سایر اهل عالم از حیوان و دیوان و ملائکه مکرم برافراشت (س ۲۴، ب ۸۷)
- تلمیح: صیت کوس خلافت وی بر وفق إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً از ملاً اعلی گذرانید (س ۲۴، ب ۲)
- سجع متوازی

صفحه افلاک به حکم حدیث لولاکی (۲۴ب، س ۳-۴)
بنای عالم برای آدم (۲۴ب، س ۵)

- اشتقاق

و مظهر فصاحت أنا أفصح (۲۵الف، س ۲)
اهم مهمات و اقدم مقدمات (۲۶ب، س ۵)

- تضاد

اهل سعادت که از وادیة ضلالت (۲۶الف، س ۸۷)
ایشان را ظاهر است و باطن و جسمی و جانی و صورتی و سیرتی (۲۶ب، س ۶-۷)

- مترادف

حمد و سپاس و ثنا (۲۴الف، س ۳)
واجب و لازم (۲۵ب، س ۳)

- جناس لاحق: بنای عالم برای آدم (۲۴ب، س ۵)

- جناس تام: هر که که محبت و ارادت وی درباره اولیا بیشتر (۲۵ب، س ۸)

- جناس خط: سیرت انسان و خواص ظاهر و باطن ایشان (۲۷الف، س ۲-۳)

- موازنه

ایشان را ظاهر است و باطن و جسمی و جانی و صورتی و سیرتی (۲۶ب، س ۶-۷)
مؤانست روحانی و مناسبت جسمانی مفتوح گردد (۲۷الف، س ۵)

قابل و عادل واجب و لازم (۴۱الف، س ۱)

- واج آرای

بر موجب کواکب سیار چون زحل و مشتری و شمس و قمر تا شناسای وجود کاملی شود

از جنس بشر (۲۹ب، س ۱-۲)

خواص علویات از افلاک و انجم و بروج و درجه و دقیقه (۲۹ب، س ۳-۴)

- درج و تضمین

«هَمْ قَوْمٌ لَا يَشْقَى جَلِيسَهُمْ» شاهد حال است. بر این فقیر در آن حین که به قید ظالمان مبتلا بودم، ورود یافت کلمه‌ای چند أَفْضَلُ الْخِصَالِ مَحَبَّتُ الرِّجَالِ؛ یعنی بهترین خصلت‌ها محبت انبیا و اولیاست. چنان‌که حضرت سید علی همدانی فرمودند. نظم: رهی نمی‌برم و چاره‌ای نمی‌دانم/ به جز محبت مردان مستقیم احوال» (۲۶الف).

۳-۸. ویژگی‌های فکری

۱-۳-۸. ارادت به سید علی همدانی و نیز معرفی وی به‌عنوان مظهر جامع و

تأثیرپذیری از کتاب ذخیره الملوک

«چنان‌که سید علی همدانی فرمودند: رهی نمی‌برم و چاره‌ای نمی‌دانم/ به جز محبت مردان مستقیم احوال» (۲۶الف). «حضرت ولایت آن قطب الاقطاب، علی ثانی امیر سیدی همدانی، که مظهر جامع بود به حسب ظاهر و باطن در کتاب ذخیره الملوک آورده است که اگر شخصی کبودچشم و سرخ‌موی باشد و...» (۴۰ب). «تو مرا مونس روان بودی/ لیکن از چشم من نهان بودی؛ از تو می‌یافتم خبر به گمان/ ورنه با من تو در میان بودی؛ جانم اندر جهان تو را می‌جست/ تو خود اندر میان جان بودی*» (۴۶الف). «اما جامعیت معنوی آنکه در این زمان از مشرق تا به مغرب تفحص صوری و معنوی نموده شد [در] مکاشفات و اطوار دل و حقایق مجموع مظهری غیر سلسله علی الثانی سید علی همدانی یافت نشد» (۹/۳۹۳۹: ۱۶۹).

۲-۳-۸. تأثر از اندیشه انسان کامل ابن عربی

«دوایر صفحه افلاک به حکم حدیث لولاک طفیل وجود شریف انسان کامل ساخت»

(۲۴ب).

«توجه به تعلیم محیی‌الدین بن عربی هم نزد وی [سید علی همدانی] یک نقطه عطف

دیگر در طریقه کبرویه محسوب است... طریقه کبرویه بعد از او به وسیله خلیفه و شاگردش، خواجه اسحاق ختلائی، تدریجاً به تشیع نزدیک‌تر شد و با ظهور سید محمد نوربخش، و انشقاقی که بین پیروان سید عبدالله برزش‌آبادی و سید محمد نوربخشیه در اواخر عهد حیات، یا مقارن وفات خواجه اسحاق ختلائی روی داد، قسمتی از کبرویه به نام نوربخشیه و قسمتی به نام ذهبیه باقی ماندند» (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۸۳).

۳-۳-۸. اهمیت چشم و قلب از دیدگاه سید محمد نوربخش

از دیدگاه سید محمد نوربخش چشم اصلی‌ترین عضو در شناخت انسان است: «اگرچه جمیع اعضا بر اوصاف حمیده باشد یا ذمیمه، ولیکن دلالت چشم از همه اعضا زیاده است» (۳۶ب).

سید محمد نوربخش قلب انسان را مهم‌ترین عامل در اصلاح و فساد انسان می‌داند.

۴-۳-۸. مقام صحو

از نظر سید محمد نوربخش ولی کاملی که وراثت مصطفی^(ص) را بر عهده دارد، باید در مقام صحو و بقا باشد تا بتواند به ارشاد سالکان بپردازد.

۵-۳-۸. اشاره به زندانی شدنش به دست ظالمان

«برین فقیر در آن حین که به قید ظالمان مبتلا بودیم» (۲۶الف).

۶-۳-۸. اشاره به وساطت علما در کنار انبیا و اولیا در رساندن انسان به سعادت

«انبیا و اولیا و علما که اشرف قوم‌اند هرکس که از اهل سعادت که از وادیه ضلالت بر سرچشمه هدایت رسید به واسطه انبیا و اولیا و علما رسید» (۲۶الف). «جمیع اکابر انبیا و کُمل اولیا و فحول علما که سلاطین ممالک شریعت و طریقت و حقیقت‌اند» (۲۶ب).

۷-۳-۸. استناد به نظریات برخی حکمای زرتشتی، مسلمانان صدر اسلام، علمای اهل

سنت و فلاسفه یونانی درباره علم فراست

«چنان‌که جاماسب حکیم احوال حضرت امی حجازی صاحب دور القمر من العرب و القرآن الذی وقع فی برج العقرب و کیفیت شریعت و ملت آن حضرت باز نمود» (۳۹۳۹/۹: ۱۴۲). «به موجب این علم شریف عبدالله بن سلام حضرت سید علیه‌السلام را شناخته است» (۲۹ب). «نقل است که امام شافعی در اسفار به خانه شخصی رسید که از روی قیافت و فراست صورت آن شخص بغایت مذموم بود» (۳۹۳۹/۹: ۱۴۴). «چنان‌که افلاطون حکیم صورت خویش نقش کرده بر دست تلامذه نزد حکماء هند فرستاد» (۳۹۳۹/۹: ۱۵۷).

۸-۳-۸ معرفی برخی مشایخ و کتاب‌های صوفیه

«بایزید بسطامی قدس سره می‌خواست که احرام نماز ببندد» (۴۹الف). «این تمثیل چون در طبقات الاولیای شیخ ابو‌عبدالرحمن سلمی آورده است» (۴۹الف). «حضرت خواجه اسحاق قدس الله سره در حضرت ولایت مآب قطب الاقطاب علی ثانی امیر سید علی همدانی کمال یافت و آن به ممارست فنون علوم و ملازمت حضرت حقانی شیخ محمد مزدقانی به مقام ولایت و ارشاد وصول یافت» (۵۱الف).

۹-۳-۸ تفکر مذهبی

نوربخش در *انسان‌نامه*، شأن عمر، عثمان و ابوبکر را تا شأن اکابر انبیا و اولیا چون ادریس و یونس و داوود و سلیمان و مصطفی (ص) و امام علی (ع) بالا برده و معتقد به سلطنت صوری و معنوی و ید بیضای ایشان‌اند. «اکابر انبیا چون ادریس و یونس و داوود و سلیمان و موسی و مصطفی کُمل اولیا چون صدیق و فاروق و ذی‌النورین و مرتضی سلطنت صوری اشتغال فرمودند و در اجرای احکام سلطنت [و] ضبط مملکت و رعایت رعیت به ید بیضا نمودند اگر سلطنت صوری منافی سلطنت معنوی بودی اکابر انبیا و کُمل اولیا به سلطنت صوری اشتغال نکردندی» (۴۲ب، ۴۳الف).

در جایی دیگر از همین رساله با اشاره به حدیث ثقلین نتیجه می‌گیرد که حبل‌الله عبارت از

حضرت رسول اکرم^(ص) و فرزندان ایشان‌اند: «چون اصح اقاویل اهل تفسیر و تأویل در حبل الله بر این است و این معانی جمله در وجود شریف حضرت علی ثانی موجود بود» (۵۲ب). با مطالعه زندگی سید محمد نوربخش در می‌یابیم که وی بارها و بارها توسط حکام شهرهای مختلف به دستور شاهرخ تیموری دستگیر و شکنجه می‌شود حتی در رساله انسان‌نامه نیز خود به این مسئله اشاره می‌کند، اما اشاره وی به جایگاه عمر، عثمان و ابوبکر تا این حد با قداست نشان می‌دهد که وی با اینکه به‌عنوان یک صوفی شیعه‌مذهب معرفی شده است، شاید شیعه به معنای خاص کلمه نبوده و تلاش کرده در آن زمان جانب احتیاط را نگه دارد و با ملایمت با تفکر سنی برخورد کند؛ به هر حال این مسئله می‌تواند جای بحث باشد.

۹. نتیجه‌گیری

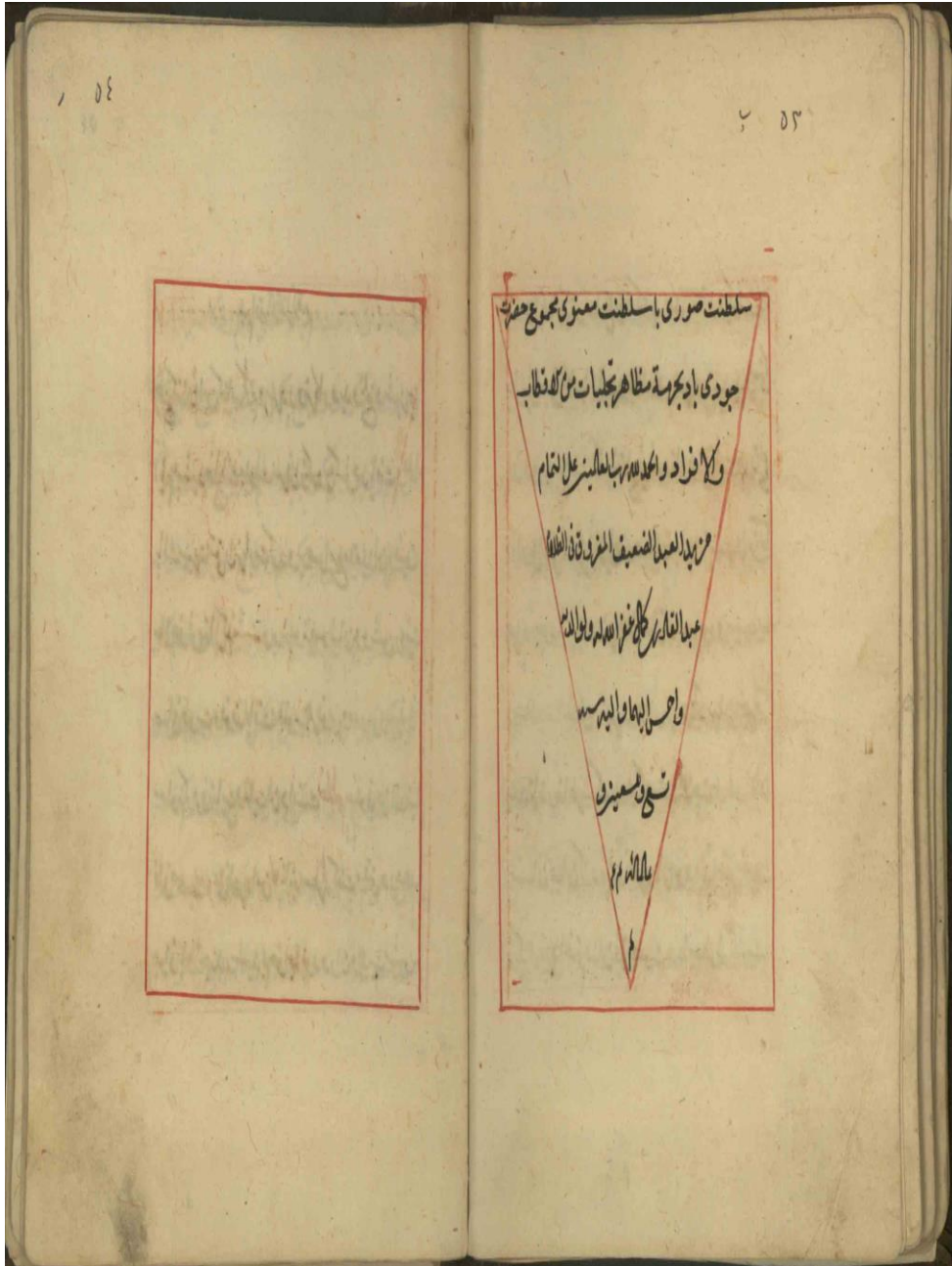
با مطالعه رساله انسان‌نامه به این نتیجه می‌رسیم که:

۱. شناخت ارباب ولایت بعد از ختم نبوت که واسطه انسان و خدا هستند در سعادت انسان بسیار نقش دارد و برای شناختن ارباب ولایت یا همان انسان کامل، راه‌های مختلفی وجود دارد.
۲. صورت انسان در شناسایی سیرت انسان نقش دارد و بنا بر اعتقاد نویسنده در این رساله، صورت زیبا نشان سیرت زیباست و نیز با شناسایی صورت و در نتیجه اخلاق ذمیه می‌توان با توسل به ارباب ولایت اخلاق را تغییر داد و به سیرت زیبا رسید.
۳. قیافه‌شناسی پادشاهان در شناسایی افراد شایسته برای امور حکومتی و رفاه مملکت مؤثر است.
۴. سید محمد نوربخش، مظهر جامع یا همان انسان کامل را سید علی همدانی و بعد از وی در سلسله ایشان و سلسله سید علی همدانی را از همه سلسله‌ها بهتر می‌داند.
۵. نویسنده در اثرش، از تفکر انسان کامل ابن‌عربی متأثر است.

۶. قلب در اصلاح و فساد سایر اعضا مؤثر است و با طی مراتب قلبی، طبقات اولیا مشخص می‌شود و هرچه این مرتبه کامل باشد شخص به مرتبه بالاتر می‌رسد.
۷. نویسنده در تشریح مطالب خود، به فراخور مطلب، از زندگی پیامبران مختلف، امامان، اولیا، عرفا، و حکما و فلاسفه مثال می‌آورد و موضوع را شرح می‌دهد.
۸. رساله حاضر از نوشته‌های عصر تیموری است. نثر رساله نثری بین نثر مصنوع و ساده و بیشتر متمایل به نثر فنی است و به دلیل داشتن نثر مسجع، به خصوص در مقدمه، یادآور گلستان سعدی است.
۹. در نوشتن رساله از آیات قرآنی، احادیث، اشعار سید علی همدانی و مولانا و سعدی بهره برده شده و از آنجا که صاحب رساله عارف و صوفی است، نثرش پر از اصطلاحات عرفانی است.
۱۰. نویسنده در نوشتن رساله/نسان‌نامه، از فنون بلاغی همچون تشبیه، تلمیح، مراعات نظیر، سجع، جناس، تضاد، مترادف، صنعت اشتقاق، واج‌آرایی بهره برده و یک نثر ادبی و هنری ارائه کرده است.



برگ اول نسخه شماره ۴۷۶۴/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی



برگ آخر نسخه شماره ۴۷۶۴/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

پی‌نوشت

* همدانی، ۱۳۶۲: ۴۵.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، *سبک‌شناسی*، چ ۳، تهران: کتاب‌های پرستو.
۳. حاجیان‌پور، حمید و حکیمی‌پور، اکبر (۱۳۹۱)، «کارکردهای اجتماعی طریقت نوربخشیه از آغاز تا عصر صفوی»، *پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، شماره ۱، ۲۵-۴۶.
۴. جلالی شیجانی، جمشید (۱۳۹۳)، «خاتم الاولیا از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه ادیان*، شماره ۱۶، ۱-۲۴.
۵. _____ (۱۳۹۰)، «تأثیر آراء ابن عربی بر تفکر عرفانی سید محمد نوربخش»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، س ۷، ش ۲۳، ۴۰-۵۶.
۶. حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۷)، *مبانی عرفان و احوال عارفان*، چ ۲، تهران: اساطیر.
۷. _____ (۱۳۸۶)، *تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی*، چ ۲، تهران: اساطیر.
۸. درایتی، مصطفی (۱۳۹۳)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)* (ج ۵)، ۹، ۲۴، ۳۰ و ۳۶، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. شبیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹)، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

۱۲. شوشتری، نورالله (۱۳۹۲)، *مجالس المؤمنین*، تصحیح ابراهیم عرب‌پور [و دیگران]، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، *سبک‌شناسی نثر*، چ ۴، تهران: میترا.
۱۴. صدقیانلو، جعفر (۱۳۵۱)، *تحقیق در احوال و آثار سید محمد نوربخشی اویسی*، بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چ ۱۱، تهران: فردوس.
۱۵. عالم‌زاده، هادی و معینی‌نیا، مریم (۱۳۸۴)، «علم فراست در منابع اسلامی»، *مجله تاریخ علم*، شماره ۴، ۱۲۵-۱۳۷.
۱۶. کریمی، بهزاد (۱۳۹۶)، «از صورت به سیرت: بحثی در رویکردهای جنسی و جنسیتی فراست‌نگارهای عصر صفوی»، *ایران‌نامگ*، سال دوم، شماره ۱، ۲-۲۷.
۱۷. گشتاسب، فرزانه (۱۳۹۵)، «صفت پادشاهان ایران و انیران در آینه علم فراست»، *زبان‌شناخت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۲، ۷۹-۹۳.
۱۸. مولوی، محمدشفیع (۱۳۷۲)، «نوربخشیان»، ترجمه سید محمد مهدی، *معارف*، دوره نهم، شماره ۳، ۷۷-۱۰۸.
۱۹. مولوی، محمدعلی (۱۳۶۹)، «افلیمون»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ص ۶۰۶-۶۰۸.
۲۰. همدانی، سید علی (۱۳۶۲)، *مشارب الاذواق*، به کوشش محمد خواجه‌جوی، چ ۱، تهران: مولی.
۲۱. نوربخش، سید محمد، *انسان‌نامه*، نسخه خطی به شماره ۴۷۶۴/۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۲. _____، _____، نسخه خطی به شماره ۱۱۹۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۳. _____، _____، نسخه خطی به شماره ۳۹۳۹/۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.